

نقد و بررسی پیش‌نویس طرح نظام جامع رسانه‌های همگانی (۱)

کد موضوعی: ۲۷۰
شماره مسلسل: ۱۱۰۴۷
شهریورماه ۱۳۹۰

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۳	الف) ارزیابی کلی پیش نویس
۵	ب) ارزیابی تفصیلی پیش نویس
۳۰	جمع بندی و نتیجه گیری
۳۲	منابع و مأخذ



نقد و بررسی پیش‌نویس طرح نظام جامع رسانه‌های همگانی (۱)

چکیده

پیش‌نویس «طرح نظام جامع رسانه‌های همگانی» در ۸ فصل و ۱۷۵ ماده تنظیم شده است. عنوان فصول به ترتیب عبارتند از: «تعاریف»، «کلیات»، «رسالت رسانه و اصول اخلاق حرفه‌ای»، «سازمان نظام رسانه‌ای»، «تأسیس رسانه»، «حقوق و تکالیف رسانه‌ها»، «مسئولیت‌های مدنی، انتظامی و کیفری» و «مقررات تکمیلی». قالب کلی پیش‌نویس براساس متن کاملی که مبتنی بر تجربیات سال‌های طولانی مدیریت بر رسانه‌ها در نیمه نخست دهه ۸۰ در دفتر مطالعات رسانه تدوین شد طراحی شده است. به همین جهت حائز ویژگی‌های مثبتی مانند جامعیت، اتخاذ نگاه واقع‌بینانه به امر ساماندهی و نظارت بر رسانه‌ها و نهادسازی برای رسانه‌ها و رسانه‌نگاران است. با این حال در بخش قابل توجهی از متن انسجام لازم وجود ندارد و احکام نامتناسب با شأن قانون در پیش‌نویس به چشم می‌خورد. لذا شیوه نگارش فصول و محتوای مواد نیاز به اصلاح دارد. در برخی فصول نیز مانند مسئولیت کیفری که فاقد ادبیات قانون‌نویسی است، بازنویسی مجدد ضروری است. در صورتی که قرار است این پیش‌نویس به‌عنوان طرح ارائه شود قبل از ارائه در محور تعاریف، نظام رسانه، مسئولیت و جرائم برشمرده شده، مقررات محتوایی، هیئت منصفه و نظام دادرسی و مقررات انتقالی و انطباقی ناشی از تصویب قانون جدید، نیاز به اصلاح، تکمیل و بازنویسی خواهد داشت. مؤکداً یادآوری می‌شود در این گزارش به دلیل ایرادات کلی و مبنایی که در فصول و مواد وجود دارد، ورود به جزئیات، سالبه به انتفای موضوع بوده و صرفاً نکات کلی بیان شده، لکن ایرادات جزئی فراوان است که در جای خود قابل بحث و بررسی است.

مقدمه

حدود یک دهه از طرح ضرورت تهیه و تدوین نظام جامع رسانه‌ها در مراکز علمی و پژوهشی می‌گذرد. علت احساس چنین ضرورتی ناشی از موارد زیر بوده است:

۱. ناکارایی ساختارها و سازوکارهای فعلی قوانین رسانه به‌طوری‌که از یکسو اختلال در فعالیت رسانه‌ای ایجاد می‌کند و از طرفی علیرغم تدابیر تنبیهی نتایج دلخواه را به همراه ندارد،

۲. انواع و اشکال جدیدی از رسانه‌ها در اثر تحولات تکنولوژیک ایجاد شده که قوانین قبلی برای مدیریت آنها کارآمد نیست و قوانین قبلی برای مدیریت آنها کارآمد نیست و قوانین مربوط به ساماندهی رسانه‌ها می‌بایست متناسب با تکنولوژی روز شود،

۳. در برخی موضوعات حوزه رسانه نیز از ابتدا خلأ مطلق قانونی وجود داشته و در مواردی هم که قانون وجود دارد معیار واحدی بر همه اشکال مختلف فعالیت رسانه به کار نمی‌رود،

۴. علاوه بر این، این نکته که نمی‌توان برای هر یک از رسانه‌ها، قانونی مستقل و مجزا از سایر مقررات ارتباطی تدوین کرد و تعدد نظام‌های حقوقی حاکم بر رسانه‌ها به معنای چندگانگی نظام فرهنگی حاکم بر آنها است و آثار سوء و تبعات ناشی از این چندگانگی چیزی نیست که پنهان یا قابل تحمل باشد، ضرورت تدوین نظام جامع را نشان می‌دهد.^۱

به دنبال طرح این مباحث در برنامه‌های توسعه چهارم^۲ و پنجم^۳ دولت مکلف به تهیه و تدوین «نظام جامع رسانه‌ها» شد. در نتیجه طی این سال‌ها دو پیش‌نویس به منظور اجرای برنامه چهارم، یکی در نیمه اول دهه ۸۰ در دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها تهیه شد و دیگری در نیمه دوم دهه ۸۰ در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات که هیچ یک به قامت لایحه درنیامد و زمان اجرای برنامه چهارم نیز منقضی شد.

اکنون که در سال اول اجرای برنامه پنجم قرار داریم، مجدداً تلاش‌هایی به منظور اجرای بند «الف» ماده (۱۰) قانون برنامه پنجم و تهیه و تنظیم نظام جامع رسانه‌ها آغاز شده است. پیش‌نویس حاضر نیز حاصل تلاش کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی برای اجرایی شدن این تکلیف قانونی است. البته در کنار دغدغه کمیسیون فرهنگی بایست به تلاش‌های دولت جهت تهیه و ارائه لایحه متناسب با ملاحظات خاص خود و نیز سایر طیف‌های فعال از جمله ذینفعان و ذیربطان و نیز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اشاره کرد. متن پیش‌نویس به دلیل اینکه ریشه در تجارب دو پیش‌نویس قبلی دارد حائز نکات ارزشمندی است که قابل ارزیابی است اما در موارد متعددی انسجام لازم در متن وجود ندارد و احکام نامتناسب با شأن قانون در آن دیده می‌شود که نه به لحاظ شکلی و نه محتوایی متناسب با شأن قانون نیست.

۱. محسن اسماعیلی، بایسته‌های حقوق مطبوعات، مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۵، ص ۴۷۳.

۲. بند «ب» ماده (۱۱۶) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۸-۱۳۸۴) مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱: دولت مکلف است، به این منظور اقدام‌های ذیل را به عمل آورد: بازنگری و اصلاح قوانین مطبوعات و تبلیغات، نظام جامع حقوقی مطبوعات و رسانه‌ها و تبلیغات.

۳. بند «الف» ماده (۱۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: دولت موظف است... اقدامات قانونی در موارد ذیل را انجام دهد: الف) تهیه و تدوین «نظام جامع رسانه‌ها» تا پایان سال اول برنامه با رویکرد تسهیل فعالیت‌های بخش غیردولتی.



الف) ارزیابی کلی پیش‌نویس

نقاط قوت

۱. **جامعیت قانون:** عنوان پیش‌نویس به پیروی از حکم مقرر در بند «الف» ماده (۱۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه حائز لفظ «جامع» است، البته جامعیت در معنای واقعی زمانی تحقق می‌یابد که دامنه شمول آن به نحوی تعریف شده باشد که تمامی موضوعات و مصادیقی که باید دربرگیرد را مدنظر قرار داده باشد. دامنه شمول این پیش‌نویس از دو جهت مورد توجه قرار گرفته است: رسانه‌ها و رسانه‌نگاران.

رسانه‌ها: بررسی سوابق تقنینی ناظر به حوزه رسانه‌ها گویای این واقعیت است که دامنه شمول هیچ‌یک از مصوبات تقنینی به‌گونه‌ای تنظیم نشده‌اند که تمامی موضوعات لازم‌الشمول خود را دربرگیرند و هریک نقیصه‌ای دارند. البته طی سال‌های اخیر قانونگذار کوشیده به صرف الحاق تعبیر یا واژگانی به آن مصوبات به رفع آنها پردازد که به دلیل نبود یا ناکافی بودن ظرفیت احکام آن قوانین برای پاسخگویی به نیازها و اقتضائات جدید، دستاوردی به همراه نداشته است. نمونه بارز قابل ذکر، الحاق تبصره‌های «۳» و «۴» به ماده (۱) قانون مطبوعات در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۸ است که مطابق آنها نشریات و خبرگزاری‌های الکترونیکی مشمول احکام آن قانون شده‌اند، بی‌آنکه آن قانون ظرفیت پاسخگویی به شرایط و مقتضیات آنها را داشته باشد. در پیش‌نویس حاضر، نگاه جامع به رسانه‌ها از جهات مختلفی تأمین شده است، این پیش‌نویس شامل همه رسانه‌های چاپی و الکترونیکی می‌شود، به این معنا که هیچ‌گونه ابزار خاص رسانه‌ای نقطه کانونی توجه^۱ قرار نگرفته و به قول اهل فن، ماهیت فناوری-خنثی^۲ دارد. این چنین ویژگی به حیات قانون قوام می‌بخشد و با پیدایش ابزارهای نوین رسانه‌ای چاپی و الکترونیکی آن را متزلزل نمی‌سازد. نیز رسانه مسلسل، موردی یا برخط نیز رسانه‌های موضوع این پیش‌نویس است. هنگامی که رسانه‌ای برای انتشار مهیا می‌گردد، از سه حالت برشمرده شده خارج نیست؛ یا به صورت منظم انتشار می‌یابد، یا ترتیبی برای آن مقرر نمی‌گردد و هر لحظه که مهیا گردد، انتشار می‌یابد یا اینکه اساساً تعداد دفعات انتشار موضوعیت ندارد و کافی است دست‌کم یک بار آماده انتشار گردد. جامعیت این سه مفهوم در کنار یکدیگر، مناسب بودن آنها برای گزینش به‌عنوان زیرشاخه‌های مفهوم جامع رسانه‌های همگانی را نشان می‌دهد.

رسانه‌نگاران: در پرتو نگاه حداکثری، رسانه‌نگاران موضوع این قانون، گستره فعالیت

1. Focal Point

2. Technology Neutral

تعریف‌شده‌ای در اختیار دارند. طبق تعریف رسانه‌نگار در فصل اول این پیش‌نویس، هرکس در هر یک از رسته‌های تولید محتوای رسانه‌ای با اقداماتی به‌وسیله ثبت، ضبط یا پدید آوردن یا هر شکل ویرایش یا اصلاح یا حتی تأیید آن فعالیت کند، مشمول این تعریف می‌شود. رفتارهای مورد اشاره آنقدر جامعیت دارند که فاعل آنها را به شایستگی در کسوت رسانه‌نگاران قرار دهد.

۲. اتخاذ نگاه واقع‌بینانه به امر ساماندهی و نظارت بر رسانه‌ها: نظریه‌ای که می‌تواند نگاه واقع‌بینانه به امر ساماندهی و نظارت بر رسانه‌ها را تقویت کند، تمرکز بر «نظارت پسینی» و اکتفای به «نظارت پیشینی» در موارد ضروری است. مبنای نظارت پیشینی احراز شرایط و اعطای پروانه یا مجوز فعالیت است. اگرچه چنین فرآیندی از شکل‌گیری رسانه‌های فاقد شرایط قانونی جلوگیری می‌کند، لکن تضمینی برای عدم ارتکاب تخلف یا جرم از سوی آنها به‌شمار نمی‌آید. اما بنای نظارت پسینی احراز هویت است که به دنبال آن برپایه نظام‌های قدرتمند و منسجم ارتباطی که بین پایگاه‌های داده مختلف به‌وجود می‌آید، فرد تحت کنترل دائم قرار می‌گیرد و در صورت هرگونه تخطی از مقررات، فوراً با آن برخورد قانونی می‌شود. در پیش‌نویس حاضر، این موضوع با توجه به تجربیاتی که طی سال‌های اخیر از ساماندهی پایگاه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای به‌دست آمده، مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور کلی، فعالیت رسانه‌ای در بستر شبکه‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، به ویژه در گستره جهانی آن، ویژگی‌های متمایز انکارناپذیری با سایر فعالیت‌های رسانه‌ای دارد و نمی‌توان همه رسانه‌های چاپی و الکترونیکی را مشمول احکام واحد قرار داد. لذا ملاحظه می‌شود که برای فعالیت رسانه‌ای مطابق این قانون دو نظام پیش‌بینی شده است: نظام اخذ پروانه فعالیت رسانه‌ای و نظام ثبت رسانه.

۳. نهادسازی برای رسانه‌ها و رسانه‌نگاران: در این پیش‌نویس، شورای عالی نظام رسانه به‌منزله مرجع تنظیم مقرراتی عمل می‌کند که آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های اجرایی مربوط به احکام قانون را به تصویب می‌رساند؛ سازمان نظام رسانه کشوری و سازمان‌های تابعه استانی آن، به تصدی وظایف اجرایی این حوزه می‌پردازند و هیئت‌های عالی و بدوی رسیدگی به تخلفات، مسئولیت رسیدگی به تخلفات رسانه‌ای را به عهده دارند. به عبارت دیگر، در نظام حاکمیتی جدید، میان ارکان حاکمیت ملی و ارکان نظام رسانه تقسیم وظایفی صورت گرفته تا مجموعه اهداف کلان نظام به شکل مطلوب‌تر تحقق یابد.

نقاط ضعف

۱. مقررات مربوط به تبلیغات، مؤسسات رسانه‌ای، خدمات رسانه‌ای مانند چاپخانه‌ها، مراکز توزیع (کتابفروشی‌ها، مراکز فروش مطبوعات و نشریات، مراکز تکثیر لوح فشرده و فروش آنها)، خدمات



میزبانی و خدمات دسترسی و... از جمله موضوعاتی است که مفاد متناسب با هر یک از آنها می‌بایست در این قانون درج شود درحالی که پیش‌نویس حاضر در این خصوص ساکت است.

۲. عدم رعایت شیوه قانون‌نویسی از جمله درج مواردی مانند رسالت رسانه و اصول اخلاق حرفه‌ای و نیز مواردی که جنبه اجرایی داشته و ضرورتی به درج آن در قانون نیست در حالی که حجم قانون را به‌طور کاذب افزایش داده و ازسوی دیگر عدم دسته‌بندی متناسب از جرائم و مجازات‌ها و سکوت در مواردی که نیاز به حکم قانونی دارد.

۳. در تعیین صلاحیت افراد برای احراز ارکان رسانه، ترکیب اعضای شوراها و هیئت‌ها، نیز تأسیس نظام صنفی رسانه و مسئولیت دست‌اندرکاران آن و نیز تشکیل هیئت منصفه به مبانی نظری موضوعات توجه کافی نشده لذا مفاد ارائه شده نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه به دلیل فقدان انسجام به مشکلات سابق خواهد افزود. از این‌رو این فصول نیاز به بازنویسی دارد.

ب) ارزیابی تفصیلی پیش‌نویس

متن پیش‌نویس

نظام جامع رسانه‌های همگانی

ن والقلم وما یسطرون (قلم: ۱)

سوگند به قلم و آنچه می‌نگارند

فصل اول - تعاریف

رسانه همگانی: که از این پس به اختصار «رسانه» نامیده می‌شود، ابزاری است چاپی یا الکترونیکی که به‌منظور انتشار عمومی محتوای نوشتاری، شنیداری، دیداری یا تلفیقی از آنها به کار می‌رود و شامل اقسام مسلسل، موردی و برخط می‌شود و به صورت محلی، سراسری و بین‌المللی انتشار می‌یابد.

رسانه مسلسل: رسانه‌ای است که دفعات انتشار دوره‌ای منظم دارد، از قبیل روزنامه، هفته‌نامه و ماهنامه.

رسانه برخط: رسانه‌ای الکترونیکی است که امکان انتشار لحظه‌ای محتوا را دارد، از قبیل سامانه‌های اطلاع‌رسانی و پیام‌رسانی الکترونیکی ولی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران از شمول این قانون مستثنا هستند.

رسانه موردی: رسانه‌ای است که از جهت زمانی به صورت نامنظم حداقل برای یک بار منتشر می‌شود، مانند گاهنامه و حامل‌های داده ولی بولتن‌های محرمانه و آثار مشمول حمایت قانونی، مانند کتاب و آثار سینمایی از شمول این قانون مستثنا هستند.

رسانه محلی: رسانه‌ای است که محدوده آن یک استان است.

رسانه سراسری: رسانه‌ای است که محدوده انتشار آن قلمرو حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران یا بیش از یک استان است.

رسانه بین‌المللی: رسانه‌ای است که محدوده انتشار آن خارج از قلمرو حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران

است و می‌تواند به صورت سراسری یا محلی نیز منتشر شود.

رسانه‌نگار: شخصی حقیقی است که شغل اصلی خود را ثبت، ضبط، پدید آوردن، ویرایش و یا تأیید متن، صوت، تصویر یا ترکیبی از آنها به منظور انتشار در رسانه با بکارگیری دانش، هنر و یا مهارت از طریق مشاهده، جستجو، پرس‌وجو، بررسی و تحلیل قرار داده است.

مدیر مسئول: شخصی حقیقی است که به وسیله صاحب امتیاز برای اداره امور رسانه و انتشار محتوا تعیین می‌شود. بالاترین مقام دستگاه اجرایی، مقام ارشد شخص حقوقی خصوصی یا فردی که بدون رعایت مقررات این قانون رسانه منتشر می‌کند، در حکم مدیر مسئول است.

نظر کارشناسی

۱. مطابق ماده (۱۳۰) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی طرح‌ها نیز همانند لوایح، باید دارای موضوع و عنوان مشخص باشد و دلایل لزوم تهیه و پیشنهاد آن در مقدمه به وضوح درج شود و همچنین دارای موادی متناسب با اصل موضوع و عنوان طرح نیز باشد که پیش‌نویس حاضر در این خصوص ساکت است.

۲. قبل از ورود به متن قانون پیشنهاد می‌شود به سنت پسندیده قانون مطبوعات پس از آیه نخست سوره مبارکه قلم، متن کامل اصل بیست و چهارم قانون اساسی (نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند) درج شود.

۳. در خصوص عبارت «رسانه‌های همگانی» در عنوان پیش‌نویس حاضرین توضیح لازم است که ممکن است یک رسانه برای گروهی قابل دسترس باشد ولی برای همگان قابل دسترس نباشد در نتیجه مشمول این قانون نخواهد بود. این امر در فضای دیجیتال نمود بیشتری خواهد داشت به طوری که پیام‌هایی برای گروهی ارسال می‌شود و یا خروجی برخی فعالیت‌های خبری برای عده‌ای قابل دسترس است ولی برای همگان این امکان فراهم نیست و در نتیجه از این قانون مستثنا خواهد بود و جامعیت این قانون نقض خواهد شد. از این رو پیشنهاد می‌شود به جای واژه «همگانی» واژه «گروهی» درج شود.

۴. در فصل اول که به تعاریف اختصاص دارد، ضروری است ضمن بازنویسی تعاریف ارائه شده، با رویکردی جامع تعاریف دیگری که بعضاً در متن پیش‌نویس آمده مانند تعریف صاحب امتیاز که در ماده (۸۸) آمده و یا تعریف اصطلاحاتی که در متن پیش‌نویس نیامده لکن از آنها نام برده شده مانند رقابت منصفانه رسانه‌ها در ماده (۱۲۸) افزوده شود.

۵. یکی از اشکالات شکلی این است که تعاریف ذیل فصل اول بدون هیچ شماره و بدون ذکر ماده آمده است. لذا مناسب است به نحو زیر درج گردد:

«ماده (...) - در این قانون اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌رود: ۱. ...»

۶. مطابق این فصل از پیش‌نویس، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی سازمان صداوسیما جمهوری



اسلامی ایران و نیز بولتن‌های محرمانه و آثار مشمول حمایت قانونی، مانند کتاب و آثار سینمایی از شمول این قانون مستثنا هستند. دلیل عدم شمولیت پیش‌نویس حاضر بر این دست رسانه‌ها لازم است در مقدمه طرح تشریح شود. از سوی دیگر به‌جای استثنائات پراکنده پیشنهاد می‌شود در یک ماده مستقل تصریح شود که تمامی سازمان‌های رسانه‌ای که قانون خاص دارند از حیث نحوه تأسیس و اداره از این قانون مستثنا هستند.

۷. تبلیغات یکی از کارکردهای رسانه است و از این جهت که این کارکرد می‌تواند باعث ضرر و زیان به ذینفعان، رسانه‌های دیگر و حتی حاکمیت شود و منفعت نامشروع تبلیغات‌کنندگان را به دنبال داشته باشد. باید ضوابط قانونی برای آن در قانون جامع رسانه‌ها پیش‌بینی شود. این موضوع در پیش‌نویس حاضر بلا تکلیف است.

۸. مباحث مربوط به مؤسسات رسانه‌ای، خدمات رسانه‌ای مانند چاپخانه‌ها، مراکز توزیع (کتابفروشی‌ها، مراکز فروش مطبوعات و نشریات، مراکز تکثیر لوح فشرده و فروش آنها) و خدمات میزبانی و... از جمله موضوعاتی است که تعاریف متناسب با هر یک از آنها می‌بایست در این فصل درج شود و احکام متناسب با هر یک نیز در جای خود بیاید.

۹. از آنجا که فعالیت هر یک از رسانه‌ها به‌گونه‌ای است که به‌لحاظ شرایط تأسیس و اداره و رژیم مسئولیت در قبال محتوا متفاوت خواهد بود، لذا ضروری است تعاریف مبسوطی از رسانه‌ها آورده شود، در این میان تقسیم‌بندی به محلی، سراسری و بین‌المللی مبتنی بر واقعیت نبوده و فایده‌ای نیز بر آن مترتب نیست. به‌طور مختصر اقسام رسانه از نظر چگونگی انتشار به: ۱. رسانه برخط (آنالوگ و دیجیتال)، ۲. رسانه محیطی (بیلورد و...) و ۳. بسته‌ای (مسلسل و موردی) تقسیم می‌شود. رسانه از نظر موضوع و محتوای منتشر شده در آن نیز به رسانه اختصاصی، خاص و عام تفکیک می‌گردد:

رسانه اختصاصی رسانه‌ای است که توسط شخص حقیقی یا حقوقی محدود به معرفی و انتشار محتوای مربوط به منتشرکننده است که فقط احتیاج به ثبت داشته و نیازی به اخذ مجوز ندارد.

رسانه تخصصی رسانه‌ای است که محتوای آن محدود به یک حوزه تخصصی است مانند نشریات پزشکی، مهندسی و... که علی‌القاعده مدیران رسانه باید صلاحیت تخصصی در زمینه موضوع داشته باشد. این قبیل رسانه‌ها نیاز به اخذ مجوز خواهند داشت.

رسانه عمومی نیز رسانه‌ای است که محتوای آن شامل حوزه‌های عمومی فرهنگ، سیاست و اقتصاد بوده و نیاز به اخذ پروانه انتشار دارد.^۱

۱. در مجموع تعریف و اشکال مورد نیاز را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

۱۰. در خصوص اصطلاح «رسانه‌نگار» این توضیح لازم است که این اصطلاح ترکیب رسانه + نگار است و نگار از نگارش و نگارش به معنی نوشتن می‌باشد در حالی که مصادیق ارائه شده اعم از معرف است و می‌بایست به دنبال پسوندهایی بود که به انجام عمل رسانش که مجموعه‌ای از اقدامات را در بر می‌گیرد دلالت کند.

۱۱. در تعریف رسانه‌نگار خلأ شخص حقوقی وجود دارد به‌عنوان مثال خبرگزاری یک شخص حقوقی است که می‌تواند رسانه‌نگار باشد زیرا در این بین: ۱. منبع خبر، ۲. خبرنگار، ۳. دبیر

رسانه: ابزاری است که به‌منظور انتشار محتوای نوشتاری، شنیداری، دیداری و یا تلفیقی از آنها ایجاد شده است.

اشکال رسانه

از نظر توالی انتشار

رسانه مسلسل: رسانه دارای دفعات انتشار دوره‌ای منظم مانند: روزنامه، هفته‌نامه و ماهنامه

رسانه مستمر: رسانه دارای انتشار پیوسته مانند: اشکال مختلف وبسایت

رسانه موردی: رسانه دارای انتشار نامنظم مانند: گاهنامه

از نظر چگونگی انتشار

رسانه برخط: رسانه‌ای که محتوای آن از طریق دستگاه‌های متصل به شبکه منتشر می‌شود، مانند رادیو، تلویزیون و اشکال مختلف وبسایت

رسانه بسته‌ای: رسانه‌ای که محتوای آن، در قالب یک بسته از طریق تکثیر و عرضه بر روی حامل یا شبکه منتشر می‌شود. مانند: مطبوعات چاپی، نشریات الکترونیک منتشر شده بر روی لوح فشرده، نشریات الکترونیک که به‌صورت یک فایل در بستر شبکه منتشر می‌شود و پیام کوتاه یا چندرسانه‌ای که از طریق سامانه‌های مخابراتی منتشر می‌شود.

رسانه محیطی: رسانه‌ای که محتوای آن برای اشخاص حاضر یا رهگذر در اماکن عمومی به نمایش درآمده یا پخش می‌شود مانند: روزنامه دیواری و نمایشگرهای عمومی.

از نظر دامنه مخاطب

رسانه داخلی: رسانه‌ای که توسط اشخاص حقوقی مانند: سازمان، مؤسسه، شرکت، مدرسه، دانشگاه، حزب و اتحادیه صرفاً به‌منظور استفاده کارکنان یا اعضا یا سایر اشخاص مرتبط با شخص حقوقی مورد اشاره منتشر می‌شود

رسانه ویژه: رسانه‌ای که محتوای آن فقط در دسترس اشخاص حقیقی و حقوقی خاص قرار می‌گیرد

رسانه همگانی

شامل:

- رسانه همگانی محلی: رسانه‌ای که محتوای آن در تمام یا بخشی از یک یا چند شهرستان یا استان کشور برای عموم منتشر می‌شود.

- رسانه همگانی سراسری: رسانه‌ای که محتوای آن در سراسر کشور برای عموم منتشر می‌شود.

- رسانه همگانی بین‌المللی: رسانه‌ای که محتوای آن به‌منظور دسترسی عموم در داخل و خارج از کشور منتشر می‌شود.

از نظر حدود محتوای آن

رسانه اختصاصی: رسانه‌ای که توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی با محتوای محدود به معرفی تولیدات، خدمات یا اخبار ناشر آن منتشر می‌شود مانند: وبسایت شرکت‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات

رسانه خاص: رسانه‌ای که محتوای آن محدود به یک حوزه تخصصی مانند: پزشکی، مهندسی، فلسفه و هنر است.

رسانه عام: رسانه‌ای که محتوای آن شامل چند حوزه تخصصی مانند: فرهنگ، سیاست و اقتصاد است.

از نظر فناوری انتشار

رسانه چاپی: رسانه‌ای که با استفاده از فناوری چاپ بر روی سطوح کاغذی یا مثل آن منتشر می‌شود.

رسانه آنالوگ: رسانه‌ای که با استفاده از شبکه یا حامل الکترونیک غیردیجیتال منتشر می‌شود.

رسانه دیجیتال: رسانه‌ای که با استفاده از شبکه یا حامل دیجیتال منتشر می‌شود.



سرویس، ۴. سردبیر و ۵. دبیر فنی که جایگاه خبر و میزان بسامد آن را تعیین می‌کند در مجموع یک شخص حقوقی است که رسانه‌نگار نیز می‌باشد.

متن پیش‌نویس

فصل دوم - کلیات

ماده (۱) - در راستای اصول بیست و چهارم و یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور اجرای بند «ب» ماده (۱۱۶) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳ و بند «الف» ماده (۱۰) قانون برنامه پنجم توسعه، مصوب ۱۳۸۹ و حمایت از حقوق و آزادی‌های مشروع رسانه‌های همگانی، تنظیم مناسبات و روابط حکومت، شهروندان و رسانه‌ها با یکدیگر، زمینه‌سازی برای حضور مؤثر و فعال رسانه‌ها در عرصه بین‌المللی و با توجه به لزوم بازنگری در قوانین مطبوعات و رسانه‌ها متناسب با توسعه فناوری‌های نوین، قانون «نظام جامع رسانه‌های همگانی» به تصویب می‌رسد.

نظر کارشناسی

۱. استناد به بند «ب» ماده (۱۱۶) قانون برنامه چهارم که زمان آن منقضی شده در حالی که در بند «الف» ماده (۱۰) قانون برنامه پنجم به همان موضوع تصریح شده، ضرورتی ندارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود عبارت «و به منظور اجرای بند «ب» ماده (۱۱۶) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳» حذف گردد.
۲. ازسوی دیگر طبق اصل هفتاد و یکم قانون اساسی مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. از این رو دلیلی برای استناد به قوانین عادی برای توجیه امر قانونگذاری وجود ندارد. بنابراین این بخش نیز باید حذف شود.
۳. متن ماده (۱) از جنس مقدمه توجیهی است و پیشنهاد می‌شود با انجام اصلاحات و بازنویسی به عنوان مقدمه توجیهی درج گردد.
۴. یکی از نکاتی که در بند «۱» ماده (۱۰) قانون برنامه پنجم اشاره شده تهیه و تدوین «نظام جامع رسانه‌ها» با رویکرد تسهیل فعالیت‌های بخش غیردولتی است. این مهم در کنار نگاه ساختاری و ایجاد نظام صنفی رسانه مستلزم گسترش نظام ثبتي و اعلامی در مقررات تأسیس و راه‌اندازی رسانه و نیز شفاف‌سازی نظام تجویزی و حضور هیئت منصفه در مرحله توقیف یا صدور قرار و نیز طیف وسیعی از تدابیر و اقدامات است که مناسب است در مقدمه پیش‌نویس به آن تصریح شود.

متن پیش‌نویس

فصل سوم - رسالت رسانه و اصول اخلاق حرفه‌ای

ماده (۲) - رسالت رسانه‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران عبارت است از:

- الف) تنویر افکار عمومی و ارتقای سطح آگاهی و دانش مردم،
- ب) تلاش در جهت ایجاد زمینه‌های فکری مناسب در جامعه برای تحقق اهداف قانون اساسی،
- پ) تلاش در جهت تقویت و توسعه وحدت ملی و پرهیز از مرزبندی‌های تفرقه‌انگیز نژادی، قومی، زبانی، دینی و مذهبی،

ت) ترویج ارزش‌های اسلامی - ایرانی،

ث) ترویج فضایل و نفی زایل اخلاقی در جامعه و مقابله با تهاجم فرهنگی،

ج) حمایت از حقوق و آزادی‌های مشروع مردم،

ماده (۳) - اصول اخلاق حرفه‌ای رسانه‌نگاری به قرار زیر است:

الف) دین‌مداری،

ب) حق‌مداری و ظلم‌ستیزی،

پ) قانونمداری،

ت) مسئولیت‌پذیری،

ث) اهتمام به سلامت حرفه‌ای و پرهیز از فساد،

ج) احترام به حقوق عمومی و شهروندی،

چ) احترام به حیثیت و حریم خصوصی شهروندان،

ح) رعایت انصاف و امانتداری،

خ) احترام به آداب و سنن پسندیده اجتماعی،

د) پرهیز از تنش‌زایی رسانه‌ای.

نظر کارشناسی

۱. رسالت رسانه‌ها، اصول اخلاقی، سیاست‌ها، مبانی، توصیه‌های غیراجرایی و مانند آن ماهیت قانونی نداشته و باید به‌عنوان سیاست‌ها و ضوابط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب برسد. کما اینکه این قبیل موارد در مصوبه جلسات ۴۷۸ و ۴۸۰ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۸ و ۱۳۸۰/۴/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات برشمرده شده است و درج مجدد آن در قانون محل اشکال است. به‌عنوان مثال در بند «ت» با عنوان ترویج ارزش‌های اسلامی ایرانی این پرسش وجود دارد که مصادیق مشخص و برشمرده شده این ارزش‌ها کدام است که قاضی براساس آنها حکم صادر کند، یا مدیر دولتی نشریه‌ای را به واسطه آن تشویق یا محروم سازد. این قبیل مفاد زمینه برخورد سلیقه‌ای و غالباً سلبی دستگاه‌های دولتی با رسانه‌ها را ایجاد می‌کند که مغایر فلسفه قانونگذاری است.

۲. در این خصوص می‌بایست صرفاً احکامی که شأن قانونی داشته و شامل تحدید حقوق اشخاص



یا الزام اشخاص به فعل و ترک فعل و تعیین مجازات تخلف از الزام یاد شده است در قانون گنج‌نیده شود.

متن پیش‌نویس

فصل چهارم - سازمان نظام رسانه‌ای

مبحث اول - اهداف، وظایف و ساختار سازمان

ماده (۴) - سازمان نظام رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران که از این پس به اختصار «سازمان» نامیده می‌شود، مؤسسه‌ای غیردولتی، غیرانتفاعی و دارای شخصیت حقوقی مستقل است که به منظور تحقق بخشیدن به رسالت رسانه‌ها و اهداف زیر در مرکز سیاسی کشور تشکیل می‌شود:

۱. حمایت از حقوق حرفه‌ای رسانه‌نگاران و شئون اجتماعی آنان،
 ۲. ساماندهی رسانه‌ها و نظام رسانه‌ای کشور،
 ۳. فراهم کردن زمینه ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی و تثبیت جایگاه رسانه‌ای ملی در عرصه بین‌المللی،
 ۴. حمایت از حقوق عمومی و شهروندی،
 ۵. نظارت بر حسن اجرای این قانون و مقررات مربوط،
- ماده (۵) - وظایف و اختیارات سازمان به شرح زیر است:
۱. تدوین مقررات و ضوابط خاص صنفی رسانه‌نگاران،
 ۲. اعطای پروانه رسانه‌نگاری و انتشار و ثبت رسانه براساس مقررات این قانون،
 ۳. ایجاد وحدت رویه در اجرای وظایف سازمان‌های نظام رسانه‌ای استانی،
 ۴. نظارت بر حسن اجرای اصول اخلاق حرفه‌ای رسانه‌نگاران،
 ۵. ارتقای دانش و توانمندی حرفه‌ای رسانه‌نگاران،
 ۶. ایجاد هماهنگی در ارتباط و تعامل رسانه‌نگاران، تشکل‌های رسانه‌ای و رسانه‌های داخلی با مجامع رسانه‌ای منطقه‌ای و بین‌المللی،
 ۷. عضویت در سازمان‌ها و مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی رسانه‌ای در چارچوب قوانین کشور،
 ۸. اقدام برای رفع مشکلات رفاهی، مالی و تأمین اجتماعی رسانه‌نگاران،
 ۹. رسیدگی به تخلفات انتظامی رسانه‌نگاران،
 ۱۰. همکاری با مراجع ذیصلاح قضایی در رسیدگی به اتهامات رسانه‌نگاران و ارائه نظرهای مشورتی،
 ۱۱. پیشنهاد اصلاح و تغییر قوانین و مقررات رسانه‌نگاری به مراجع ذیصلاح،
 ۱۲. انجام مسئولیت‌ها و وظایفی که در دیگر قوانین و مقررات به سازمان محول می‌شود،
- ماده (۶) - ارکان سازمان به قرار زیر است:

۱. شورای عالی نظام رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران که از این پس در این قانون به اختصار «شورا» نامیده می‌شود.
۲. هیئت عالی رسیدگی به تخلفات انتظامی که از این پس در این قانون به اختصار «هیئت عالی» نامیده می‌شود.
۳. رئیس سازمان.

ماده (۷) - واحدهای تابع سازمان به قرار زیر است:

۱. سازمان‌های نظام رسانه‌ای استانی
۲. صندوق حمایت از رسانه‌نگاران

مبحث دوم - شورای عالی نظام رسانه‌ای

ماده (۸) - شورای عالی مرکب از اعضای زیر است:

۱. معاون مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی،
۲. یک نماینده مجلس به پیشنهاد کمیسیون فرهنگی و انتخاب مجلس شورای اسلامی،
۳. یک قاضی عالی‌رتبه آشنا با حقوق رسانه‌ها به انتخاب رئیس قوه قضائیه،
۴. یکی از معاونان وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به پیشنهاد وزیر و تصویب هیئت وزیران،
۵. یک عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی به انتخاب این شورا،
۶. یکی از فضلاء آشنا به مسائل رسانه‌ها به انتخاب شورای عالی حوزه علمیه قم،
۷. هفت نفر از رسانه‌نگاران شامل چهار رسانه‌نگار و سه مدیر مسئول به انتخاب مجمع نمایندگان هیئت مدیره سازمان‌های نظام رسانه‌ای استانی موضوع ماده (۹۷)،

ماده (۹) - وظایف شورا به شرح زیر است:

۱. تعیین راهبردها و سیاست‌های اجرایی سازمان،
۲. تهیه و تصویب آیین‌نامه داخلی شورا،
۳. تصویب منشور اخلاق حرفه‌ای رسانه‌نگاری با رعایت اصول مذکور در ماده (۱۲)،
۴. تهیه و تصویب آیین‌نامه اداری و مالی سازمان،
۵. تصویب شیوه‌نامه‌های لازم برای اجرای این قانون،
۶. تصویب شرح وظایف دبیرخانه شورا،
۷. انتخاب اعضای هیئت عالی نظارت بر رسانه‌ها،
۸. نظارت بر عملکرد و حسن اجرای وظایف سازمان،
۹. تصویب بودجه سازمان و تفریغ آن و تعیین حق عضویت سازمان‌های استانی در سازمان،
۱۰. انتخاب، برکناری و قبول استعفای اعضای هیئت رئیسه شورا و رئیس سازمان مطابق مقررات این قانون،

۱۱. قبول استعفای اعضای شورا،

۱۲. تعیین روزنامه پرشمارگانی که تمام اطلاعیه‌ها، آگهی‌ها و مصوبات سازمان و تصمیمات رئیس سازمان در آن منتشر می‌شود،

۱۳. تصمیم‌گیری درباره موضوع ماده (۶۰).

ماده (۱۴) - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند در تمام جلسات شرکت کند.

ماده (۱۵) - رئیس سازمان از میان اعضای مذکور در بند «۷» ماده (۱۷) با رأی اکثریت مطلق اعضای شورا برای مدت چهار سال انتخاب و با حکم رئیس‌جمهور منصوب می‌شود. هرگاه در دور نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد، حداقل با فاصله دو هفته برای بار دوم انتخابات برگزار می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدهایی که در دور نخست آرای بیشتری داشته‌اند، شرکت می‌کنند و رأی اکثریت نسبی حاضران ملاک عمل است. چنانچه رئیس‌جمهور فرد منتخب شورا را نپذیرد، شورا برای بار دوم به ترتیب مذکور فرد دیگری را معرفی می‌کند.

مبحث چهارم - هیئت عالی رسیدگی به تخلفات انتظامی

ماده (۲۵) - برای رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای رسانه‌نگار شورا، رئیس سازمان، رئیس و اعضای



هیئت مدیره سازمان‌های استانی، اعضای رسانه‌نگار هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات انتظامی، دادستان‌ها، بازپرسان و معاونان دادرهای انتظامی و رسیدگی پژوهشی به آرای هیئت‌های بدوی رسیدگی به تخلفات انتظامی، هیئت عالی مرکب از اعضای زیر در سازمان تشکیل می‌گردد:

۱. یک حقوقدان آشنا با مسائل حقوق رسانه به انتخاب وزیر دادگستری به‌عنوان رئیس هیئت،
۲. دو رسانه‌نگار عضو هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات انتظامی از دو استان مختلف با معرفی شورا به قید قرعه،

۳. یک رسانه‌نگار به پیشنهاد کمیسیون فرهنگی و انتخاب مجلس شورای اسلامی،

۴. یک رسانه‌نگار به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و انتخاب هیئت وزیران،

مبحث پنجم - هیئت عالی نظارت بر رسانه‌ها

ماده (۳۰) - هیئت عالی نظارت بر رسانه‌ها که در این قانون به اختصار «هیئت عالی نظارت» نامیده می‌شود مرکب از ۹ عضو به شرح زیر تشکیل می‌گردد:

۱. شش عضو مذکور در بندهای «۱»، «۲»، «۳»، «۴»، «۵»، «۶»، «۷» و «۸» ماده (۱۷).

۲. سه نفر از اعضای مذکور در بند «۷» ماده (۱۷) به انتخاب اکثریت نسبی شورا.

ماده (۳۵) - هیئت عالی نظارت به ترتیب زیر بر رسانه‌های الکترونیکی نظارت می‌کند:

الف) احصای فهرست مصادیق محتوای مجرمانه رایانه‌ای،

ب) احصای رسانه‌های ثبت شده به‌منظور پالایش رسانه‌های ثبت نشده.

تبصره «۱» - ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موضوع ماده (۲۱) قانون جرائم رایانه‌ای باید طبق فهرست و ضوابط فنی اعلام شده از سوی هیئت، رسانه‌های موضوع این ماده را پالایش کنند. ارائه‌کنندگان خدمات میزبانی موضوع ماده (۲۳) آن قانون نیز مکلف به رعایت دستورهای هیئت عالی نظارت می‌باشند.

تبصره «۲» - رسیدگی به شکایات اشخاص در مورد پالایش رسانه‌ها به‌موجب این ماده، در هیئت عالی به عمل می‌آید.

نظر کارشناسی

۱. پیش از تعریف سازمان نظام رسانه‌ای ضروری است نظام رسانه‌ای تعریف شود. این الگو در آیین‌نامه اجرایی مواد (۲) و (۱۷) قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۱ رعایت شده به‌طوری‌که ابتدا نظام صنفی رایانه‌ای تعریف شده^۱ و سپس ارکان آن از جمله سازمان نظام رایانه‌ای به تفکیک آمده و تعریف شده است. این الگو در سایر نظام‌های حرفه‌ای و صنفی از جمله نظام مهندسی، نظام پرستاری، نظام مهندسی و... مرسوم است.

۲. براساس این الگوی رایج، نظام حرفه‌ای حوزه رسانه سه رکن خواهد داشت: ۱. شورای عالی

۱. ماده (۳۲) آیین‌نامه اجرایی مواد (۲) و (۱۷) قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای: نظام صنفی رایانه‌ای، قواعد و مقرراتی است که در جهت ساماندهی، ایجاد تشکیلات، تعیین وظایف و نظم‌بخشی به فعالیت تجاری رایانه‌ای مجاز و حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزار وضع و تحت نظارت شورای عالی انفورماتیک کشور تنظیم و تنسيق می‌گردد و از این پس نظام صنفی رایانه‌ای خوانده می‌شود.

- رسانه، ۲. هیئت نظارت بر رسانه و ۳. سازمان نظام رسانه.
۳. شورای عالی رسانه: بالاترین مرجع این نظام خواهد بود که وظیفه اصلی ساماندهی حوزه رسانه را به عهده خواهد داشت و با ترکیبی متوازن از نمایندگان بخش حاکمیت، نمایندگان رسانه و مردم یا ذینفعان برقرار خواهد شد.
۴. هیئت نظارت بر رسانه: با امکان تأسیس شعب در استان‌ها سه مأموریت اصلی خواهد داشت:
۱. ارائه مجوز تأسیس رسانه و فعالیت رسانه‌ای، ۲. تشخیص تخلفات صنفی، ۳. تطبیق مصادیق و تعیین برخوردهای انتظامی.
۵. سازمان نظام رسانه‌ای: تشکیلاتی است که انجام وظایف محوله برای شکل‌گیری نظام را به عهده دارد، اساسنامه آن توسط شورای عالی تعیین می‌شود. این سازمان نقش اجرایی داشته و آنچه در نظام رسانه‌ای نقش حاکمیتی دارد دو رکن هیئت نظارت و شورای عالی است. این سازمان اموری مانند امور اداری و برگزاری جلسات و دبیرخانه را عهده‌دار است.
۶. نکته قابل توجه درخصوص شعب و کارگروه‌های هیئت نظارت و سازمان در استان‌ها آن است که مناسب‌تر است اختیار آن با تصویب شورای عالی به خود هیئت نظارت و سازمان واگذار شود، زیرا ممکن است یک استان به چند شعبه و یا چند استان به یک شعبه نیاز داشته باشند.
۷. مقررات مربوط به سازمان نظام رسانه و مواردی که نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی دارد به ترتیب فوق و مختصر می‌بایست ارائه شده و سایر موارد و تصویب آن به شورای عالی سپرده شود.
۸. طبق اصل یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی آیین‌نامه‌گذاری در صلاحیت هیئت وزیران، کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر و یا هر یک از وزرا می‌باشد. از آنجا که در ترکیب شورای عالی پیشنهادی هیچ یک از وزرا حضور ندارند و در موارد متعدد آیین‌نامه‌گذاری به این شورا واگذار شده است این امر مغایر اصل مذکور خواهد بود، لذا پیشنهاد می‌شود در ترکیب اعضا یک وزیر یا چند وزیر حضور داشته باشند و آیین‌نامه به تصویب ایشان برسد و اینکه رئیس شورا با حکم رئیس‌جمهور منصوب می‌شود و یا اینکه مطابق ماده (۱۴) وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند در تمام جلسات شرکت کند رافع ایراد مذکور نمی‌باشد.



متن پیش‌نویس

مبحث ششم - صندوق حمایت از رسانه‌نگاران

ماده (۳۷) - برای انجام امور مربوط به تأمین اجتماعی رسانه‌نگاران و حمایت مالی از آنان، صندوق حمایت از رسانه‌نگاران تشکیل و سوابق بیمه‌ای رسانه‌نگاران دارای پروانه با رعایت قوانین و مقررات مربوط، به صندوق مذکور منتقل می‌شود. اساسنامه پیشنهادی رئیس سازمان برای صندوق مذکور ظرف سه ماه پس از تشکیل سازمان به‌وسیله شورا تأیید و برای تصویب به هیئت وزیران ارسال می‌شود.

نظر کارشناسی

۱. اجازه ایجاد صندوق بازنشستگی مستقل در بند «الف» ماده (۲۸) قانون برنامه پنجم^۱ داده شده که به مراتب اختیارات بیشتری را ایجاد خواهد کرد و به این ترتیب ضرورتی به درج این ماده نخواهد بود.

متن پیش‌نویس

فصل پنجم - تأسیس رسانه

مبحث اول - پروانه انتشار و ثبت رسانه

ماده (۸۸) - هر شخص حقیقی یا حقوقی دارای تابعیت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با رعایت مقررات این قانون حسب مورد پس از اخذ پروانه انتشار یا ثبت رسانه نزد سازمان، رسانه‌ای را ایجاد کند. شخص مذکور «صاحب امتیاز» نامیده می‌شود.

ماده (۹۳) - ایجاد رسانه‌های مسلسل و موردی و رسانه‌های برخط چندرسانه‌ای منوط به ثبت مؤسسه غیرتجاری مطابق مقررات مربوط و اخذ پروانه انتشار مختص به خود است.

نظر کارشناسی

۱. همان‌طور که پیش از این آمد فعالیت هر یک از رسانه‌ها به‌گونه‌ای است که به‌لحاظ شرایط تأسیس و اداره و رژیم مسئولیت در قبال محتوا متفاوت خواهد بود، لذا ضروری است شرایط تأسیس هر یک از اقسام مختلف رسانه در همین فصل قانون پیش‌بینی شود تا زمینه برای تضييع حقوق افراد ایجاد نشده و به آیین‌نامه موکول نشود. به تعبیر دیگر روشن گردد تأسیس و انجام کدام قسم از فعالیت رسانه‌ای نیاز به اخذ مجوز و پروانه دارد؟ شرایط احراز صلاحیت برای این

۱. ماده (۲۸)

الف) به‌منظور فراهم نمودن شرایط رقابتی و افزایش کارآمدی بیمه‌های اجتماعی و جلوگیری از ایجاد هرگونه انحصار یا امتیاز ویژه برای صندوق‌های بازنشستگی اعم از خصوصی، عمومی، تعاونی و یا دولتی اجازه داده می‌شود صندوق‌های بازنشستگی خصوصی با رعایت تضمین حقوق بیمه‌شدگان و بازنشستگان صندوق مربوطه حداقل به مدت ده سال براساس آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد ایجاد گردد.

پروانه چیست؟ چه بخشی از این فعالیت‌ها با ثبت یا اعلام و چه بخشی با اخذ پروانه قابل انجام بوده و مشمول حمایت‌های این قانون است؟

۲. پیشنهاد می‌شود به جای اصطلاح «صاحب امتیاز» مالک رسانه درج شود زیرا این امتیاز مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی داده شده و اخذ مجوز توسط شخص در حقیقت به معنای تنفیذ استیفای یک حق اساسی است و نه تصاحب یک امتیاز. از سوی دیگر صاحب امتیاز در حقیقت سرمایه‌گذار و مالک یک رسانه محسوب می‌شود، بنابراین «مالک رسانه» مناسب‌ترین گزینه پیش رو است.

۳. در وضعیت فعلی شخصیت حقوقی یک رسانه به درستی تبیین نشده و از سوی دیگر نوعی عدم تناسب و ناهماهنگی میان حدود وظایف و اختیارات ارکان وجود دارد. از یک سو اختیارات محتوایی با سردبیر است، اختیارات مالی با صاحب امتیاز است ولی مسئولیت با مدیر مسئول است. ضروری است در قانون مطلوب اختیارات مالی، اجرایی و محتوایی در گروه مانند هیئت امناء در الگوی شرکتی تجمیع گردد و مسئولیت نیز به صورت جمعی وجود داشته باشد تا هر یک از ارکان به میزان اختیارات مسئولیت داشته باشد.

۴. درخصوص ماده (۹۳)، و اینکه برای ایجاد هر رسانه موردی یک مؤسسه غیرتجاری ثبت شود، محل اشکال است. آنچه صحیح به نظر می‌رسد آن است که انتشار رسانه موردی از طرف یک مؤسسه رسانه‌ای نیاز به مجوز دارد.

متن پیش‌نویس

مبحث دوم - صاحب امتیاز، مدیر مسئول و رسانه‌نگار

ماده (۹۹) - شرایط صاحب امتیاز حقیقی به قرار زیر است:

۱. تابعیت ایرانی،
۲. تدین به ادیان و مذاهب رسمی شناخته شده در قانون اساسی،
۳. التزام عملی به قانون اساسی،
۴. داشتن گواهینامه پایان خدمت یا معافیت دائم،
۵. داشتن حداقل ۲۵ سال سن،
۶. نداشتن پیشینه کیفری مؤثر،
۷. عدم حجر و ورشکستگی.

تبصره - بالاترین مقام شخص حقوقی که وظایف و اختیارات صاحب امتیاز را اعمال می‌کند، باید واجد شرایط این ماده باشد.



نظر کارشناسی

۱. درخصوص احراز صلاحیت صاحب امتیاز، مدیر مسئول و رسانه‌نگار توجه به نکات زیر ضروری است:

الف) با توجه به اینکه صاحب امتیاز در حقیقت مالک رسانه محسوب می‌شود و مسئولیتی در قبال محتوا ندارد احراز صلاحیت عمومی برای آن کافی است.

ب) از آنجا که صلاحیت مدیر مسئول براساس نوع رسانه (تخصصی یا عمومی) متفاوت خواهد بود لذا در مورد رسانه تخصصی صلاحیت تخصصی (تحصیلات و یا تجربیات) لازم است که تشخیص آن با هیئت نظارت بر رسانه است و چگونگی آن را آیین‌نامه مصوب شورای عالی رسانه تعیین خواهد کرد، لذا پیشنهاد می‌شود این موضوع به این مبحث الحاق گردد.

متن پیش‌نویس

فصل ششم - حقوق و تکالیف رسانه‌ها

مبحث اول - در برابر حاکمیت

ماده (۱۰۸) - رسانه‌ها حق دارند به پرس‌وجو، جستجو، گردآوری و تولید اطلاعات و اخبار بپردازند، مگر در مواردی که قانون صریحاً منع کرده باشد.

ماده (۱۰۹) - کلیه دستگاه‌های اجرایی و اشخاص حقوقی خصوصی باید مصوبات، تصمیمات، فعالیت‌ها و یا دیگر اطلاعات مربوط به خود را که برای تمام یا بخشی از مردم حق و یا تکلیف ایجاد می‌کند، در اختیار رسانه‌ها قرار دهند.

تبصره - حکم این ماده در مورد دستگاه‌هایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری فعالیت می‌کنند، منوط به اذن ایشان است.

ماده (۱۱۰) - صاحب امتیاز در قبال رعایت اهداف و رسالت‌های این قانون و خط مشی رسانه مسئول است.

ماده (۱۱۱) - مدیر مسئول باید در چارچوب موضوع پروانه انتشار فعالیت کند و می‌تواند اختیارات خود را به دیگری تفویض کند. این امر نافی مسئولیت وی نخواهد بود.

ماده (۱۱۲) - اجبار رسانه‌ها به وسیله مقامات دولتی و غیردولتی به انتشار یا عدم انتشار تمام یا بخشی از محتوای رسانه‌ای ممنوع است.

ماده (۱۱۳) - چنانچه انتشار محتوایی مانند محتوای تبلیغاتی منوط به اخذ مجوز از مرجع ذیصلاح دیگر باشد و در قانون تشکیل آن مرجع بدان تصریح شده باشد، رسانه‌ها مکلف به رعایت آن هستند.

ماده (۱۱۴) - رسانه‌های مسلسل و برخط باید محتوای رسانه‌ای خود را به محض انتشار براساس آیین‌نامه‌ای که ظرف سه ماه پس از تشکیل سازمان به‌وسیله رئیس سازمان تهیه و به تصویب شورا می‌رسد، حسب مورد، برای سازمان کشوری یا استانی ارسال کنند.

ماده (۱۱۵) - رسانه‌ها باید یک نسخه از محتوای منتشر شده و شناسنامه آن را به صورت چاپی یا الکترونیکی نگهداری و امکان دسترسی به آن را به صورت برخط یا موردی برای مراجع ذیصلاح فراهم کنند.

مبحث دوم - در برابر مردم

ماده (۱۱۹) - هر شهروند حق دارد درباره موضوعات مختلف محتوای رسانه‌های تولید و جهت انتشار در اختیار رسانه‌ها قرار دهد، مشروط بر اینکه مخالف مبانی اسلام، قانون اساسی و حقوق عمومی نباشد.

ماده (۱۲۰) - تولید محتوای رسانه‌ای با استفاده از اطلاعات شخصی یا درباره حریم خصوصی افراد منوط به اخذ رضایت صریح و پیشین از آنها است.

تبصره «۱» - اطلاعات شخصی شامل شماره ملی، نشانی و کد پستی، محل سکونت و کار، اطلاعات مالی و بانکی، شماره تماس، اسرار خانوادگی، وضعیت جسمی و روانی غیرآشکار و همچنین اطلاعات راجع به اعتقادات ابراز نشده و روابط جنسی آنهاست.

تبصره «۲» - حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر شخص است که به‌طور متعارف انتظار دارد دیگران بدون رضایت یا اعلام قبلی وی با اعمالی از قبیل وارد شدن، نظاره کردن، شنود یا دسترسی به اطلاعات مربوط، آن را نقض نکنند.

ماده (۱۲۱) - سوابق کاری مقامات امنیتی قابل افشا نیست.

ماده (۱۲۲) - رسانه‌ها حق ندارند بدون اخذ رضایت صریح پیشینی مخاطب رأساً محتوای رسانه‌ای خود را برای بیش از یک بار به نشانی‌ها یا شماره‌های پستی یا الکترونیکی یا تماس افراد ارسال کنند.

ماده (۱۲۳) - رسانه‌ها در انتشار محتوای ارائه شده از سوی شهروندان مطابق مقررات این قانون آزادند، ولی در صورت تصمیم به انتشار حق ندارند آن را به‌طور کلی یا جزئی تغییر دهند. ویرایش ادبی مشمول تغییر محتوا نمی‌شود.

ماده (۱۲۴) - رسانه‌ها باید شرایط انتشار محتوا و انصراف از انتشار آن را در محل مناسب و قابل رؤیت در رسانه درج کنند.

ماده (۱۲۵) - هرگاه رسانه‌ای محتوای مجرمانه یا متضمن نقد، توهین، افترا و یا کذب را منتشر کند، ذینفع حق دارد حداکثر یک ماه پس از انتشار، پاسخ خود را به صورت کتبی ارائه کند و رسانه باید به‌طور رایگان با توجه به نوع رسانه در همان محل و به همان شیوه و کیفیت منتشر کند، مشروط بر آنکه پاسخ از دو برابر محتوای انتشار یافته بیشتر نباشد و متضمن توهین، افترا، کذب و یا محتوای مجرمانه نباشد.

ماده (۱۲۶) - رسانه پس از دریافت پاسخ ذینفع آن را به ترتیب زیر منتشر کند:

الف) در رسانه مسلسل تا هفته‌نامه، حداکثر در یکی از دو شماره بعدی،

ب) در رسانه مسلسل بالاتر از هفته‌نامه، در شماره بعدی خود یا در یکی از رسانه‌های محلی، سراسری و بین‌المللی مشابه به انتخاب ذینفع،

پ) در رسانه برخط، حداکثر ظرف پنج ساعت کاری،

ت) در رسانه موردی، حسب مورد حداکثر در یکی از دو شماره بعدی یکی از رسانه‌های مسلسل محلی، سراسری و بین‌المللی.

تبصره - در مورد بندهای «ب» و «ت»، چنانچه هیچ رسانه‌ای پاسخ ذینفع را منتشر نکند، به درخواست وی علاوه بر انتشار در همان رسانه به ترتیب مذکور در این ماده، در پایگاه اطلاع‌رسانی اختصاصی سازمان منتشر خواهد شد.

ماده (۱۲۷) - حقوق مادی و معنوی ناشی از انتشار محتوا به پدیدآورنده تعلق دارد، مگر اینکه درخصوص حقوق مادی به نحو دیگری توافق شده باشد.



نظر کارشناسی

۱. درخصوص عنوان «حقوق رسانه‌ها» باید توجه داشت که مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی (نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند). لذا بایست صرفاً احکامی که شامل به رسمیت شناختن یک حق مانند «حق جستجو و تفسیر اخبار»، «حمایت از منابع خبری» و «حق مؤلف»، و یا تحدید حقوق اشخاص یا الزام اشخاص به فعل و ترک فعل و تعیین مجازات تخلف از الزام یاد شده است و نیز موارد اخلاف به مبانی اسلام یا حقوق عمومی است برشمرده شده و در قانون گنجانیده شود.
۲. درخصوص تکالیف و وظایف رسانه‌ها نیز ضروری است این فصل به تفکیک دربردارنده موارد زیر باشد: «وظیفه توجه به صحت و واقعیت خبر»، «فرضیه بی‌گناهی متهمان»، «حمایت حریم زندگی خصوصی»، «حمایت از شهرت و شرافت افراد» و «وظیفه حمایت از کودکان و نوجوانان»^۱.
۳. در ماده (۱۲۱) منظور از مقام چیست؟ مقام امنیتی چیست؟ اگر این بیان جرم است، چرا مجازات آن تعیین نشده است؟

متن پیش‌نویس

فصل هفتم - مسئولیت‌های مدنی، انتظامی و کیفری

مبحث یکم - مسئولیت مدنی

ماده (۱۳۱) - زیان مادی ناشی از جرائم و تخلفات این قانون مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری قابل مطالبه است.

ماده (۱۳۲) - در صورت اثبات ورود خسارت معنوی، دادگاه به درخواست زیان‌دیده علاوه بر الزام مرتکب به اعاده حیثیت، وی را با لحاظ شأن و جایگاه اجتماعی زیان‌دیده و میزان زیان‌های مادی واردشده، به پرداخت دو میلیون تا دویست میلیون ریال خسارت در حق وی محکوم می‌کند.

ماده (۱۳۳) - در موارد زیر، چنانچه فعل زیانبار در جهت منافع رسانه یا سایر اشخاص حقوقی ارتکاب یابد، شخص حقوقی نیز مسئول جبران خسارت است:

۱. چنانچه مدیر مسئول یا شخص حقوقی مرتکب فعل زیانبار شود،
۲. چنانچه مدیر مسئول یا شخص حقوقی دستور ارتکاب فعل زیانبار را صادر کرده باشد،
۳. هرگاه یکی از کارکنان رسانه یا شخص حقوقی با آگاهی مدیر مسئول یا در اثر تقصیر وی مرتکب فعل زیانبار شود.

نظر کارشناسی

۱. تفکیک مسئولیت به سه دسته مدنی، انتظامی و کیفری از نقاط قوت این پیش‌نویس است مشروط بر اینکه در کل طرح تخلفات انتظامی جدا از جرائم دیده شده باشند.
۲. به‌طور کلی مطابق اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی^۱ در مورد جرائم مطبوعاتی به دلیل علنی بودن و حضور هیئت منصفه به نوعی تمهیداتی اندیشیده شده تا عادلانه بودن دادرسی تضمین شود و این رویکرد به فعالیت‌های مطبوعاتی کمک خواهد کرد. بنابراین چنانچه در قانون رسانه‌ها در جایی شرایط سخت‌گیرانه‌تر از شرایط عادی باشد، این روح کلی را نقض کرده است.
۳. به‌طور کلی در دنیا سه نظام در خصوص مسئولیت رسانه‌ها وجود دارد:

الف) مسئولیت تضامنی (جمعی)،

ب) مسئولیت شخص واحد،

پ) مسئولیت ترتیبی.

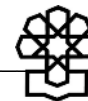
۴. براساس مسئولیت جمعی همه افراد از چاپ‌کننده تا توزیع‌کننده هر کس به سهم خود و میزان تأثیرگذاری مسئولیت خواهد داشت.
 ۵. براساس مسئولیت ترتیبی به ترتیب مسئولیت از نویسنده آغاز می‌شود سپس کسی که تأیید کرده، کسی که انتشار داده، توزیع‌کننده، فروشنده و... مسئولیت خواهند داشت.
 ۶. براساس نظریه شخص واحد در انتها یک نفر مسئول است.
- این موضوع در قانون مطبوعات بلا تکلیف بوده و مواردی کاریکاتوربست نیز مسئول دانسته شده است و مدیر مسئول مسئولیت کیفری مطلق دارد.^۲
- در این پیش‌نویس نیز در حوزه مدیر مسئول باقی مانده و مسئولیت شخص واحد پذیرفته شده است. به نظر می‌رسد نظریه تضامنی در صورتی که ایرادات اجرایی آن مرتفع شود و قید «احراز قصد مجرمانه» برای مسئولیت درج شود مناسب‌تر خواهد بود.
۷. درخصوص ماده (۱۳۲) و موضوع «خسارت‌های معنوی» ابهامات زیر وجود دارد:

الف) تعریف خسارت معنوی چیست؟^۳

۱. اصل یکصد و شصت و هشتم: رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند.

۲. تبصره «۴» ماده (۹) قانون مطبوعات: صاحب امتیاز در قبال خط‌مشی کلی نشریه مسئول است و مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیر مسئول خواهد بود.

۱۱. درخصوص موضوع خسارت معنوی توجه به سابقه بحث حائز اهمیت است: بعد از تصویب قانون مطبوعات در تاریخ ۱۳۶۴/۸/۱۴ که موارد مذکور به شورای نگهبان ارجاع شد شورا در بند «۱۰» نظریه خود در مورد تبصره یک ماده (۳۰) طرح قانون مطبوعات که بیان می‌داشت: «در موارد فوق شاکی (اعم از خصوصی یا حقوقی) می‌تواند برای مطالبه خسارات مادی و معنوی که از



ب) جبران خسارت‌های معنوی چگونه خواهد بود؟ خصوصاً در بازی‌های رسانه‌ای که امروز یک خبر درج می‌شود و دو روز بعد همان خبر تکذیب می‌شود.

ج) اعاده حیثیت چگونه خواهد بود؟ درج عذرخواهی در یک شماره یا چند شماره، در صورتی که به دلیل اقدامات رسانه در مناقصات، مزایده‌ها و رقابت‌های سیاسی و انتخاباتی و یا تبلیغات تجاری زیان‌هایی وارد شود چه اقدامات عملی باید صورت گیرد.

د) در خصوص مجازات نقدی دو میلیون تا دویست میلیون ریال نیز دو مطلب وجود دارد: اولاً، اینکه این رقم بر چه مبنایی پیش‌بینی شده است؟ ثانیاً، اینکه پرداخت کیفر نقدی در حق محکوم‌علیه که سابقه نداشته بر چه مبنایی است؟

۸. در خصوص ماده (۱۳۳) نکات ذیل قابل توجه است:

الف) چنانچه فعل زیانبار ناشی از ترک فعل بود تکلیف چیست؟

ب) منظور از «منافع رسانه» چیست؟

ج) این ماده زمینه ایجاد نوعی تبانی رسانه‌ها با شرکت‌های کوچک علیه شرکت‌های بزرگ را فراهم می‌سازد.

در مجموع این ماده مبهم بوده و نتوانسته منظور خود را برساند.

نشر مطالب مزبور به او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن رسیدگی و خسارت را معین، مورد حکم قرار دهد». اعلام داشت: «در تبصره یک ماده سی طرح خسارات معنوی مجاز و دادگاه مکلف به رسیدگی به آن شده است. تقویم این خسارات به مال در امر مادی مغایر شرع است، لذا رفع هتک و توهین که به شخص شده به‌طور مناسب با آن در صورت مطالبه ذیحق است». از آنجا که ظاهراً این نظریه بیانگر این بود که ایراد شورای نگهبان در مورد خسارات معنوی، امکان جبران این خسارات با پرداخت پول به متضرر می‌باشد، مجلس در اصلاح طرح، تبصره «۱» ماده (۳۰) را به‌گونه‌ای تنظیم نمود که در آن دادگاه مکلف به تعیین خسارت و مابه‌ازای مادی در مورد خسارات معنوی نباشد بلکه باید به دعوی رسیدگی و حکم مناسب صادر نماید ولی شورای نگهبان این بار با تغییر لحن اعلام نمود که خسارات معنوی نباید ذکر شود. لذا مجلس با حذف مادی و معنوی در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۶ از ماده (۳۰) قانون مطبوعات موجبات عدم مغایرت با موازین شرع و قانون را فراهم آورد.

متن پیش‌نویس**مبحث دوم - مسئولیت انتظامی****گفتار اول - تخلفات و مجازات‌های انتظامی**

ماده (۱۳۴) - مجازات‌های انتظامی به قرار زیر است:

۱. توبیخ کتبی بدون درج در پرونده،
۲. احضار به هیئت بدوی برای اخطار شفاهی،
۳. توبیخ کتبی با درج در پرونده،
۴. توبیخ کتبی با درج در پرونده و روزنامه پرشمارگان یا تارنمای اختصاصی سازمان،
۵. تعلیق پروانه رسانه‌نگاری یا محرومیت از مدیر مسئولی از یک ماه تا سه ماه،
۶. محرومیت موقت از رسانه‌نگاری از سه ماه تا یک‌سال،
۷. لغو پروانه رسانه‌نگاری یا محرومیت دائم از مدیر مسئولی.

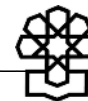
نظر کارشناسی

۱. تعریف مسئولیت انتظامی صورت نگرفته است.
۲. بعضی از موارد انتظامی ممکن است جنبه کیفری پیدا کند از جمله مواردی که اخلال در نظم عمومی ایجاد کند. برای این منظور می‌توان موارد اخلال در نظم عمومی را در خود قانون برشمرد و یا تشخیص آن را به عهده دادستان گذاشت.
۳. درخصوص بندهای «۱» و «۲» ماده (۱۳۴) که درج در پرونده نیامده است به نظر می‌رسد از اختیارات هیئت‌های انتظامی در ادارات استخراج شده و در اینجا که روابط میان دو سازمان مختلف است بی‌معنا خواهد بود.

متن پیش‌نویس**مبحث سوم - مسئولیت کیفری****گفتار اول - جرائم**

ماده (۱۴۴) - اقدامات ذیل جرم محسوب می‌شود:

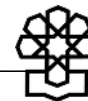
۱. چنانچه خط مشی کلی رسانه با محتوای اصول تغییرناپذیر قانون اساسی موضوع اصل یکصد و هفتاد و هفتم مغایر باشد.
۲. هرگاه در رسانه‌ای به رهبر انقلاب اسلامی و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن رسانه لغو و مدیر مسئول و نویسنده به محاکم صالحه معرفی خواهد شد.
۳. هرگاه مدیر مسئول محتوای مجرمانه را به وسیله رسانه منتشر، توزیع یا به‌طور انبوه ارسال کند یا در دسترس همگان قرار دهد یا دستور انجام آنها را صادر کند. ارتکاب این جرائم به وسیله اشخاص دیگر نافی مسئولیت کیفری مدیر مسئول نیست، مگر اینکه عدم تقصیر خود را ثابت کند.
۴. هرگاه فردی بدون اخذ پروانه انتشار، رسانه‌ای را ایجاد کند. در مورد دستگاه‌های اجرایی و اشخاص



- حقوقی خصوصی مسئولیت چنین اقدامی برعهده بالاترین مقام آنها می‌شود.
۵. هرکس بدون اخذ پروانه مقرر در این قانون، خود را به‌عنوان رسانه‌نگار، مدیر مسئول یا صاحب امتیاز معرفی کند.
۶. چنانچه مدیر مسئول از اجرای حکم دادگاه مبنی بر اعاده حیثیت از محکوم‌له خودداری کند.
۷. انتشار غیرمجاز اطلاعات شخصی یا اطلاعاتی که در اثر نقض مقررات مربوط به حریم خصوصی به‌دست آمده یا اطلاعات راجع به حریم خصوصی افراد.
۸. چنانچه مدیر مسئول محتوای رسانه‌ای را بدون رعایت حقوق معنوی ذینفع منتشر کند.
۹. چنانچه مدیر مسئول، نام، نشانه یا عنوان رسانه دیگری را شبیه‌سازی کند یا دستور ارتکاب آن را صادر کند و فعل مزبور ارتکاب یابد، به‌گونه‌ای که تداعی‌کننده آن رسانه باشد و شاکی خصوصی داشته باشد.
۱۰. اشخاصی که اسناد و دستوره‌های محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه و یا نقشه‌های قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ یا صلح به‌وسیله رسانه فاش و منتشر کنند به دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود.
۱۱. هرکس به‌وسیله رسانه مردم را صریحاً به ارتکاب جرم یا جنایتی برضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده است تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شود به مجازات معاونت همان جرم محکوم و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود، طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.
۱۲. هر کس به‌وسیله رسانه به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.
- ماده (۱۴۵) -** هر کس رسانه‌ای را به‌طور غیرقانونی به انتشار یا عدم انتشار تمام یا بخشی از محتوای رسانه‌ای مورد نظر خود وادار یا مبادرت به سانسور کند، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از یکصد تا پانصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود. چنانچه مرتکب، مقام دستگاه اجرایی باشد، علاوه بر مجازات مذکور به یک تا سه سال انفصال از خدمت عمومی و دولتی و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شود.
- تبصره -** دادستان کل انتظامی رسانه‌نگاران می‌تواند رأساً علیه مرتکبان این جرم شکایت کند.
- ماده (۱۴۶) -** هر کس از ارائه مصوبات، تصمیمات، فعالیت‌ها و یا دیگر اطلاعاتی که برای تمام یا بخشی از مردم حق و یا تکلیف ایجاد می‌کند، به رسانه‌ها خودداری کند یا به هر نحو مانع دسترسی آنها به اطلاعات مذکور گردد، به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود. چنانچه مرتکب، مقام دستگاه اجرایی باشد، علاوه بر مجازات مذکور به یک تا سه سال انفصال از خدمت عمومی و دولتی و در صورت تکرار به انفصال دائم محکوم می‌شود.
- ماده (۱۴۷) -** چنانچه صاحب امتیاز یا مدیر مسئول بدون رعایت ماده (۱۳۴) این قانون برای اداره رسانه خود از سرمایه خارجی استفاده کند، به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.
- ماده (۱۴۸) -** چنانچه محتوای رسانه الکترونیکی موضوع شکایت باشد، پالایش رسانه حسب مورد با دستور یا حکم دادگاه صالح به عمل می‌آید. اگر رسانه ثبت شده باشد، در صورت رفع اثر فوری از محتوای مذکور، به تشخیص دادگاه رسیدگی‌کننده تا صدور رأی نهایی پالایش نخواهد شد.

نظر کارشناسی

۱. در ابتدای پیش‌نویس لازم بود تعاریفی از قبیل مسئولیت، صلاحیت، نظام دادرسی عادلانه درج گردد.
۲. از آنجا که قرار است این قانون جامع باشد، لذا باید نسبت آن با قوانین دیگر که صلاحیت شخصی و ذاتی ایجاد می‌کند بیان شود. به‌عنوان نمونه دادگاه اطفال دارای صلاحیت شخصی است و طبق قانون باید به‌طور غیرعلنی برگزار شود. همچنین دادگاه ویژه روحانیت که به‌صورت غیرعلنی و بدون حضور هیئت منصفه برگزار می‌شود. دادگاه نظامی نیز دارای صلاحیت شخصی است و دادگاه انقلاب دارای صلاحیت ذاتی است در صورتی که یکی از اطفال، روحانیان و نظامیان مرتکب جرم رسانه‌ای شوند به چه ترتیبی عمل خواهد شد.
۳. در مورد شیوه نگارش ماده (۱۴۴) این ایراد وجود دارد که در برخی موارد جرم آمده، در برخی موارد حکم و در برخی موارد آیین دادرسی آمده است در مجموع میان بندهای این ماده تناسب وجود ندارد.
۴. در بند «۱» ماده (۱۴۴) از یک سو استفاده از عبارت «چنانچه» بلاوجه بوده و از سوی دیگر به مجازات قانونی این جرم اشاره نشده است.
۵. در بند «۲» ماده (۱۴۴) اهانت به رهبر انقلاب و مراجع مسلم تقلید آمده ولی ساب‌النبی و یا اهانت به خداوند و مراتب بالاتر دیده نشده است. درخصوص مجازات «لغو پروانه آن رسانه» مندرج در این بند نیز این توضیح لازم است که مطابق اصل بیست‌و‌چهارم قانون اساسی حق آزادی بیان حقی است که مطابق قانون اساسی به افراد داده شده و در مواردی که استیفای آن منوط به مجوز دستگاه خاصی می‌شود در حقیقت آن دستگاه خاص صلاحیت استیفای حق را کارشناسی و تنفیذ می‌کند نه اینکه این حق را به فرد اعطا نماید. بنابراین لغو پروانه انتشار نیز تنها از طریق مرجع صالح دادگستری ممکن خواهد بود نه هر مرجع دیگر.
۶. در بند «۴» ماده (۱۴۴) اگر کسی نشریه‌ای را بدون مجوز منتشر کند خودش را از حمایت‌های قانونی محروم کرده نه اینکه جرم مرتکب شده باشد. همچنین این امر می‌تواند از عوامل مشدده جرم باشد براین اساس محتوا باید مجرمانه باشد نه صرف عمل انتشار.
۷. بند «۵» ماده (۱۴۴) در واقع همان «جعل عنوان» است که در فصل پنجم کتاب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده است.
۸. بند «۱۰» ماده (۱۴۴) در واقع از مصادیق جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور است که در فصل اول کتاب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده قانون مجازات اسلامی به تفصیل جرم‌انگاری



شده است. مضافاً به اینکه به کار بردن عبارت «به دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود»، خلاف عرف قانون نویسی است.

۹. در بند «۱۱» به کار بردن عبارت «جرم بر علیه سیاست داخلی و خارجی» بی معناست.

۱۰. در خصوص موارد شبه عمد و غیر عمد در جرائم رسانه‌ای ضروری است پیش‌بینی لازم صورت گیرد.

۱۱. برخی مواد قانون مجازات اسلامی نیاز به تکمیل و اصلاح دارد که رسانه‌ها بیشتر در معرض ارتکاب آنها هستند و در مورد رسانه‌ها نیاز به تشدید و تخفیف است که لازم است در همان قانون اصلی اصلاحات صورت گیرد و طی یک ماده در این قانون ذکر شود.

متن پیش‌نویس

گفتار دوم - دادگاه و هیئت منصفه رسانه

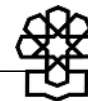
ماده (۱۴۹) - به منظور تحقق اصول بیست و چهارم و یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای رسیدگی بدوی و تجدیدنظر به جرائم رسانه‌ای ارتکاب یافته در رسانه‌های سراسری و بین‌المللی، هیئت منصفه کشوری رسانه مطابق مقررات این فصل تشکیل می‌گردد.

ماده (۱۵۰) - رسیدگی به جرائم رسانه‌ای مذکور در ماده قبل مطابق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و پس از صدور کیفرخواست در مورد رسانه‌های محلی در شعب کیفری دادگاه عمومی شهرستان مرکز استان و در مورد رسانه‌های سراسری و بین‌المللی در دادگاه کیفری استان صورت می‌گیرد. در هر حال، علنی بودن رسیدگی و حضور هیئت منصفه رسانه در مراحل بدوی و تجدیدنظر الزامی است.

ماده (۱۵۱) - هیئت منصفه بدوی و تجدیدنظر کشوری به نمایندگی از اقشار زیر تشکیل می‌شوند:

۱. دو نفر از فضایی حوزوی به انتخاب شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم،
۲. دو عضو هیئت علمی دانشگاه به انتخاب شورای عالی انقلاب فرهنگی،
۳. دو رسانه‌نگار به انتخاب شورای عالی نظام رسانه‌ای،
۴. دو کارمند به انتخاب شورای عالی اداری،
۵. دو نفر به انتخاب نظام صنفی رایانه‌ای کشور،
۶. دو نفر از اصناف و بازاریان به انتخاب شورای اصناف کشور،
۷. دو بسیجی به انتخاب سازمان بسیج مستضعفان کشور،
۸. دو مهندس به انتخاب سازمان‌های نظام مهندسی کشور،
۹. دو پزشک به انتخاب سازمان نظام پزشکی کشور،
۱۰. دو نویسنده به انتخاب انجمن قلم ایران،
۱۱. دو نفر از ایثارگران و خانواده شهدا به انتخاب بنیاد شهید و امور ایثارگران،
۱۲. دو کارگر به انتخاب کانون هم‌هنگی شورای اسلامی کار ایران،
۱۳. دو کشاورز به انتخاب خانه کشاورز،
۱۴. دو هنرمند به انتخاب خانه هنرمندان،

۱۵. دو ورزشکار به انتخاب کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران،
۱۶. دو معلم به انتخاب شورای عالی آموزش و پرورش،
۱۷. دو دانشجو از میان نمایندگان معرفی شده از سوی تشکلهای فعال دانشجویی به انتخاب نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها،
۱۸. دو کارفرما به انتخاب اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران،
۱۹. دو ناشر به انتخاب اتحادیه ناشران ایران،
۲۰. دو وکیل به انتخاب اتحادیه کانونهای وکلای سراسر کشور،
۲۱. دو نماینده از طرف احزاب به انتخاب خانه احزاب،
۲۲. دو نفر به انتخاب کانون وکلا، مشاوران و کارشناسان رسمی قوه قضائیه،
۲۳. دو نفر به انتخاب کانون سردفتران و دفتر یاران.
- ماده (۱۵۳) -** اقشار اجتماعی مذکور در دو ماده قبل باید نمایندگان خود را به تفکیک برای عضویت در هیئت‌های منصفه بدوی و تجدیدنظر کشوری و استانی تعیین کنند. معرفی مجدد آنها برای یک دوره متوالی دیگر بلامانع است.
- ماده (۱۵۴) -** نحوه تعیین اعضای هیئت منصفه به وسیله اقشار اجتماعی مذکور در مواد (۲۰۹) و (۲۱۰) مطابق آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه به وسیله وزیر دادگستری تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.
- ماده (۱۵۵) -** اعضای هیئت منصفه باید دارای شرایط زیر باشد:
۱. التزام عملی به اسلام و قانون اساسی،
 ۲. تابعیت جمهوری اسلامی ایران،
 ۳. حداقل ۳۰ سال سن،
 ۴. نداشتن محکومیت کیفری مؤثر،
 ۵. اشتها به صداقت و امانت،
 ۶. حداقل مدرک دیپلم متوسطه،
 ۷. نداشتن سمت مدیر کل یا معاون آن و بالاتر در دستگاه‌های اجرایی.
- ماده (۱۵۶) -** صلاحیت نمایندگان معرفی شده برای عضویت در هیئت‌های منصفه کشوری و استانی حسب مورد به وسیله کمیسیون‌های کشوری و استانی نظارت بر انتخاب موضوع مواد (۹۰) و (۹۳) این قانون احراز می‌شود.
- ماده (۱۵۷) -** هیئت منصفه پس از تعیین و احراز صلاحیت حداقل سه چهارم اعضا تشکیل می‌شود و جلسات آن با حضور حداقل نصف به علاوه یک نفر از کل اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با رأی اکثریت حاضرین معتبر است.
- ماده (۱۵۸) -** پس از رسمیت یافتن هیئت منصفه، اعضای آن در نخستین جلسه در پیشگاه قرآن کریم به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنند که بدون در نظر گرفتن گرایش‌ها و منافع شخصی یا گروهی و با رعایت تقوا، صداقت و امانت انجام وظیفه کنند.
- تبصره -** متن سوگندنامه ظرف سه ماه پس از تشکیل سازمان به وسیله رئیس سازمان تهیه و به تصویب شورا می‌رسد.
- ماده (۱۵۹) -** اقشار اجتماعی مذکور در مواد (۲۰۹) و (۲۱۰) باید حداقل ۳ ماه قبل از پایان دوره هیئت



منصفه، اعضای جدید را معرفی کنند. ترتیب انجام امور باید به نحوی باشد که حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره هیئت منصفه، اعضای هیئت منصفه بعدی مشخص شده باشد.

ماده (۱۶۷) - هیئت منصفه بلافاصله پس از اعلام ختم دادرسی به وسیله رئیس دادگاه، به صورت محرمانه و منحصرأ با حضور اعضا وارد شور می‌شود و نظر کتبی خود را در مورد زیر به رئیس دادگاه تسلیم می‌کند:

الف) متهم بزهکار است یا خیر؟

ب) در صورت بزهکار بودن، آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟

تبصره- در صورت تشخیص هیئت، دعوت از قاضی دادگاه جهت مشورت بلامانع است.

ماده (۱۶۸) - نظرخواهی از اعضای هیئت منصفه به صورت مخفی و با ورقه صورت می‌گیرد.

ماده (۱۶۹) -

ماده (۱۷۰) - پس از اعلام نظر هیئت منصفه، دادگاه رأی مقتضی را صادر می‌کند.

نظر کارشناسی

۱. مهمترین مطلب در خصوص هیئت منصفه، جایگاه و نسبت این نهاد با قاضی است. از نظر فقهی هیئت منصفه را به سه طریق می‌توان در دادگاه شرکت داد:

الف) به عنوان ناظر،

ب) به عنوان کارشناس در کشف موضوع،

ج) شریک قاضی در صدور حکم.

در حال حاضر به شیوه نظام‌های عرفی از هیئت منصفه به عنوان کارشناس در کشف موضوع استفاده می‌شود. در پیش‌نویس حاضر نیز از همین نظر پیروی شده به همین دلیل در ماده (۱۷۰) تصریح شده دادگاه رأی مقتضی را صادر می‌کند و به این ترتیب تمام تشکیلات هیئت منصفه را زیر سؤال برده است. زیرا تا زمانی که هیئت منصفه کارشناس در کشف موضوع باشد قاضی الزامی به پذیرش نظر کارشناسی نخواهد داشت مگر در فرضی که قاضی غیرمجتهد و ماذون باشد که قانون او را ملزم به رعایت نظر هیئت منصفه نموده باشد که در این صورت نیز نظر هیئت منصفه یک نظر است و نه رأی قضایی.

در اینجا دو دیدگاه دیگر وجود دارد: نخست اینکه هیئت منصفه به مثابه ناظر باشد، بر این اساس هیئت منصفه از ابتدا تا انتهای فرایند دادرسی را نظارت می‌کند و بعد از پایان دادرسی و صدور حکم اعلام می‌کند که آیا دادرسی عادلانه بوده یا خیر، در صورتی که دادرسی غیرعادلانه باشد باید دادرسی اعاده شود. در این فرض اشکالات هیئت منصفه غربی وجود خواهد داشت مضافاً به اینکه اراده قانون اساسی برای حمایت از دست‌اندرکاران رسانه در مقابل سوءاستفاده صاحبان ثروت و قدرت را تأمین خواهد کرد و تحقق دادرسی عادلانه امکان‌پذیرتر خواهد شد.

ازسوی دیگر قرار دادن ناظر بر امر قضاوت در متون فقهی امر مستحبی برشمرده شده است.^۱ دوم اینکه هیئت منصفه شریک در صدور حکم باشد. در این شیوه اعضای هیئت منصفه باید ابلاغ قضایی داشته باشند و نظر آنها رأی دادگاه محسوب شود. در این صورت رأی دادگاه دو مرحله‌ای خواهد بود در یک مرحله اصل اتهام بررسی می‌شود و در مرحله دوم بعد از اثبات جرم مجازاتش تعیین خواهد شد. در مجموع در پیش‌نویس حاضر از حیث مباحث فوق‌الاشعار نه تنها اشکالات قانون مطبوعات مرتفع نشده بلکه به مراتب تکرار شده است.

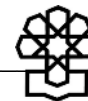
۲. پس از موضوع جایگاه هیئت منصفه، موضوع اعضای هیئت منصفه، صلاحیت آنها و ترکیب اعضای آن مطرح است. در این خصوص توجه به فلسفه وجود هیئت منصفه حائز اهمیت است. هیئت منصفه اولاً نماینده وجدان عمومی است برای اینکه صاحبان ثروت و قدرت، رسانه‌ها را به نفع خود محدود نکنند. ثانیاً نظر هیئت منصفه معیار عرفی حدودی است که در قانون معین شده است. بنابراین مجموعه مقررات مربوط به هیئت منصفه باید شرایط این معنا را که در حقیقت تضمین عادلانه بودن فرآیند دادرسی است تأمین سازد.

۳. اعضای هیئت منصفه نمونه منطقیاً باید چهار ویژگی داشته باشند: خبرگی، عدالت در کارشناسی، مقبولیت اجتماعی، آشنایی با اصول کلی حقوق، بنابراین گنجاندن شروطی مانند حداقل سن یا شرط تأهل که در بند «۱» ماده (۳۷) قانون مطبوعات آمده و یا شرط سن که در بند «۳» ماده (۱۵۵) حاضر آمده است دلیل منطقی ندارد.

۴. همان‌طور که گفته شد هیئت منصفه نماینده افکار عمومی در اعتماد به عادلانه بودن فرآیند دادرسی است. این به معنای آن است که مقبولیت شرط اصلی اعضای هیئت منصفه است و بهترین راه تشخیص مقبولیت انتخاب اعضا می‌باشد. به بیان دیگر تضمین عادلانه بودن براساس چنین قانونگذار نخواهد بود بلکه اعتماد عمومی به فرآیند دادرسی محصول نمایندگی واقعی افراد مقبول جامعه است. براین اساس ۴۶ نفر از اعضای هیئت منصفه که در این قانون پیش‌بینی شده‌اند از نظر تعداد، سهم‌بندی و مراجع انتخاب‌کننده، تأمین‌کننده هدف مورد انتظار از هیئت منصفه نخواهند بود. در واقع سهم‌بندی حاکمیت - رسانه‌ها - مردم باید در اینجا هم محفوظ باشد براین اساس اشکالات عدیده‌ای به ترکیب اعضای پیشنهادی وارد است.

۵. در بند «۴» ماده (۱۵۱) درخصوص دو نفر کارمند به انتخاب شورای عالی اداری، شورای عالی اداری نمی‌تواند مرجع مناسبی برای انتخاب دو نفر کارمند باشد. ازسوی دیگر کارمندان طیف وسیعی را دربر می‌گیرند و یک قشر به حساب نمی‌آیند.

۱. محمد سرشار، صص ۱۹۴-۱۹۵.



۶. درخصوص بند «۸» ماده (۱۵۱) دو مهندس به انتخاب نظام مهندسی، باید توجه داشت که در کشور چندین نظام مهندسی وجود دارد چگونه باید انتخاب صورت گیرد. سازوکار آن روشن نیست.

۷. درخصوص بند «۱۰» ماده (۱۵۱) دو نویسنده به انتخاب انجمن قلم باید توجه داشت که انجمن قلم ایران تشکل صنفی فراگیر نیست. خانه هنرمندان نیز انجمن صنفی فراگیر نیست.

۸. در فصل مربوط به هیئت منصفه ضروری است چند مطلب مهم تصریح شود:

۸-۱. حضور هیئت منصفه در دادگاه غیرعلنی: علنی بودن یا نبودن دادگاه مربوط به نظم و عفت عمومی است و هیچ ربطی به حضور هیئت منصفه ندارد. لازم است در یک ماده به این موضوع تصریح شود که حضور هیئت منصفه چه در دادگاه علنی و یا غیرعلنی الزامی است.

۸-۲. نظیر مبحث رد قاضی در آیین دادرسی و نیز جرح شهود، مبحث رد اعضای هیئت منصفه نیز قابل طرح است. بنابراین متهم می‌تواند اجازه داشته باشد در اولین جلسه دادرسی به اعضای هیئت منصفه و ترکیب آنها اعتراض کند.

۸-۳. رأی‌گیری داخلی اعضای هیئت منصفه: موضوع ماده (۱۵۷) و عبارت «تصمیمات آن با رأی اکثریت حاضرین معتبر است». از آنجا که رأی اکثریت نسبی (نصف+۱) به معنای تأمین نشدن عنصر مقبولیت عامه است و این رأی ناکارا قلمداد می‌شود در برخی کشورها در صورت به دست نیامدن اکثریت مطلق آرا هیئت منصفه منحل و هیئت منصفه جدید تشکیل می‌شود. بنابراین می‌بایست در این زمینه به سمت اکثریت مطلق و اتفاق آرا رفت.

۸-۴. اعتراض به رأی هیئت منصفه موضوع دیگری است که لازم است در این فصل مورد تصریح واقع شود.

۹. از آنجا که مقرر است رسیدگی به امور رسانه‌ها به وسیله هیئت منصفه صورت گیرد این مهم نیاز به آیین دادرسی مستقل رسانه‌ها خواهد داشت، البته به دلیل ماهیت قضایی آیین دادرسی رسانه‌ها این موضوع نمی‌تواند در لایحه دولت بیاید،^۱ لکن با توجه به اینکه متن حاضر در قالب طرح است این خلأ باید جبران شود. در قانون جرائم رایانه‌ای نیز که لایحه قضایی بود فصلی با عنوان آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای پیش‌بینی شده و این امر باید درخصوص رسانه‌ها نیز با توجه به مقررات خاص هیئت منصفه ملحوظ گردد.

۱. مطابق بند دوم اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی از وظایف رئیس قوه قضائیه است.

متن پیش‌نویس

فصل هشتم - مقررات تکمیلی

ماده (۱۷۱) - کلیه رسانه‌های موجود باید ظرف یک سال از تشکیل سازمان، خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند. در غیر این صورت حسب مورد با درخواست دادستان کل یا دادستان انتظامی رسانه‌نگاران و رای هیئت عالی یا بدوی، از ادامه فعالیت آنها جلوگیری به عمل خواهد آمد.

ماده (۱۷۲) -

ماده (۱۷۵) - از تاریخ تصویب این قانون، قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و کلیه اصلاحات و الحاقات بعدی آن و ماده (۲۲) قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۷ نسخ می‌گردد.

نظر کارشناسی

۱. در خصوص ماده (۱۷۵) دو نکته حائز اهمیت است:

الف) ماده (۲۲) قانون جرائم رایانه‌ای فقط مربوط به رسانه‌ها نیست، بسیاری از سامانه‌ها و خدمات الکترونیک مانند سامانه تجارت الکترونیک، خدمات الکترونیک و... تابع این ماده است. بنابراین ماده (۱۷۵) اثر ماده (۲۲) مزبور را فقط در حوزه رسانه می‌تواند نسخ کند و نه سایر حوزه‌ها.

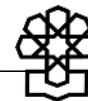
ب) برخی از مواد قوانین دیگر مانند قانون وظایف و اختیارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت می‌کنند وجود دارد که در تناقض با احکام این پیش‌نویس است ولی به نسخ آنها اشاره نشده است.

۲. علاوه بر تصریح به لغو و نسخ موارد مغایر، ضروری است موارد الحاقی یا اصلاحی مواد سایر قوانین نیز در این قانون تصریح شود مثلاً در مورد حریم خصوصی و جرم‌انگاری متناسب با آن در این قانون موادی تصویب خواهد شد که به قانون مجازات اسلامی ملحق می‌شود و یا موادی از سایر قوانین اصلاح می‌شود و این اصلاح در جای خود اعمال می‌گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

براساس بررسی‌های انجام شده در این گزارش نتایج زیر به دست می‌آید:

قالب کلی پیش‌نویس براساس متن کاملی که مبتنی بر تجربیات سال‌های طولانی مدیریت بر رسانه‌ها در نیمه نخست دهه ۸۰ در دفتر مطالعات رسانه تدوین شد طراحی شده است. به همین جهت حائز ویژگی‌های مثبتی مانند جامعیت، اتخاذ نگاه واقع‌بینانه به امر ساماندهی و نظارت بر رسانه‌ها و نهادسازی برای رسانه‌ها و رسانه‌نگاران است، با این حال در بخش قابل توجهی از متن



انسجام لازم وجود ندارد و احکام نامتناسب با شأن قانون در پیش‌نویس به چشم می‌خورد. لذا شیوه نگارش فصول و مواد نیاز به اصلاح بنیادین دارد. در برخی فصول مانند مسئولیت کیفری که فاقد ادبیات قانون‌نویسی است، بازنویسی مجدد ضروری است، همچنین در صورتی که قرار است این پیش‌نویس به‌عنوان طرح ارائه شود، قبل از ارائه در محورهای زیر نیاز به اصلاح، تکمیل و بازنویسی خواهد داشت:

۱. مقررات مربوط به تبلیغات، مؤسسات رسانه‌ای، خدمات رسانه‌ای مانند چاپخانه‌ها، مراکز توزیع (کتابفروشی‌ها، مراکز فروش مطبوعات و نشریات، مراکز تکثیر لوح فشرده و فروش آنها)، خدمات میزبانی و خدمات دسترسی و... از جمله موضوعاتی است که مفاد متناسب با هر یک از آنها در این قانون نیامده است.

۲. از آنجا که فعالیت هر یک از رسانه‌ها به‌گونه‌ای است که به‌لحاظ شرایط تأسیس و اداره و رژیم مسئولیت در قبال محتوا متفاوت خواهد بود، لذا ضروری است تعاریف مبسوطی از رسانه‌ها آورده شود خلأ جدی نسبت به تعاریف در این پیش‌نویس وجود دارد.

۳. رسالت رسانه‌ها، اصول اخلاقی، سیاست‌ها، مبانی، توصیه‌های غیراجرایی و مانند آن ماهیت قانونی نداشته و باید به‌عنوان سیاست‌ها و ضوابط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب برسد. این قبیل موارد در مصوبه جلسات ۴۷۸ و ۴۸۰ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۸ و ۱۳۸۰/۴/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان «سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات» برشمرده شده است و درج مجدد آن در قانون محل اشکال است. این درحالی است که یک فصل از پیش‌نویس به این موضوع اختصاص یافته.

۴. در تعیین صلاحیت افراد برای احراز ارکان رسانه، ترکیب اعضای شوراهای و هیئت‌ها، نیز تأسیس نظام صنفی رسانه و مسئولیت دست‌اندرکاران آن و نیز تشکیل هیئت منصفه به مبانی نظری موضوعات توجه کافی نشده، لذا مفاد ارائه شده نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه به دلیل فقدان انسجام به مشکلات سابق خواهد افزود. از این‌رو این فصول نیاز به بازنویسی دارد.

۵. از آنجا که مقرر است رسیدگی به امور رسانه‌ها به‌وسیله هیئت منصفه صورت گیرد، این مهم نیاز به آیین دادرسی مستقل رسانه‌ها خواهد داشت که نسبت به این موضوع پیش‌بینی لازم صورت نگرفته است و خلأ آن وجود دارد.

۶. به دلیل عدم دقت در لغو قوانین مغایر و نیز عدم پیش‌بینی موارد الحاق و اصلاح قوانین مرتبط در این پیش‌نویس (مقررات انتقالی و انطباقی) تصویب آن موجب اشکالات اجرایی پیچیده خواهد شد. از این‌رو ضروری است در دو ماده مستقل این موارد برشمرده شود.

منابع و مآخذ

۱. اسماعیلی، محسن، بایسته‌های حقوق مطبوعات، مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۵.
۲. سرشار، محمد، سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات و مطالعه تطبیقی آن با حقوق آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، آذر ۱۳۸۷.
۳. معتمدنژاد، کاظم، بررسی قانونگذاری‌های جدید رسانه‌ای در فدراسیون روسیه، جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز، یوگسلاوی سابق و چند کشور دیگر اروپایی و آسیایی (مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات)، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۵.
۴. معتمدنژاد، کاظم، حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران (جلد یکم)، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۶.
۵. توکلی، شهرام، مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۸.
۶. مجموعه قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، بهمن ۱۳۸۹.
۷. قانون مجازات اسلامی، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۸۳.



شماره مسلسل: ۱۱۰۴۷

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: نقد و بررسی پیش‌نویس طرح نظام جامع رسانه‌های همگانی (۱)

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه هنر و رسانه)

تهیه و تدوین: سیدعلی محسنیان

مدیر مطالعه: علی جعفری

ناظران علمی: وحید یامین‌پور، سینا کلهر، سیدمحمدهادی راجی

متقاضی: معاونت پژوهشی

اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز: رضا بهبهانی، محمد سرشار

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. نظام جامع رسانه

۲. حقوق رسانه‌ها

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۶/۳۰